

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

یادداشت:

دوست نهایت عزیز، آقای "بی ریا"!

تشریف آوری شما را به پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" از صمیم قلب خوش آمدید می گوئیم، امید است در آینده نیز از همکاری های ارزشمند شما مستفید و مطالب بیشتری را از آن دوست گرانقدر در پورتال انتشار داده بتوانیم. با تقدیم احترامات فایقه
اداره پورتال AA-AA

نگارش: م. بی ریا
۲۴.۰۶.۰۹

تبصره ای بر تبصره «عصر خود کشی» برنوشته رزاق مامون تحت عنوان "نادر علی پویا" در سایت کابل پرس

به پاسخ و توجه تبصره نویس "عصر خودکشی":

ایدئولوژی، مشی سیاسی و تشکیلات سه رکن اساسی و ضروری حزب را میسازد که در مورد احزاب چپ، میانه و راست کاربرد دارد. درک این نکته از جمله الفبای مبارزه است و در دنیا حزبی به معنی واقعی کلمه، بدون ایدئولوژی رهنا سراغ نمیشود. ایدئولوژی یک حزب یا سازمان سیاسی در جامعه طبقاتی به عنوان **معرفت طبقاتی، اصول و ارزشهای اساسی** و یا بنا به اعتراف منادیان لیبرالیسم وطنی ما، به مثابه **ارزش های پایه ای** در امر ایجاد و استحکام و در جریان مبارزه حزب سیاسی منحیث یکی از ارکان سه گانه آن مطرح است. این دورویی و منافقت لیبرالیسم ترسوست که ضمن سر نهادن در آستان استعمار و ارتجاع، زمانی ایدئولوژی را به مثابه یکی از سه رکن اساسی همچون ارزش های پایه ای مطرح میکند، ولی در مورد دیگر سازمان انقلابی "ساما" را در قعر ایدئولوژی زندگی غرق دیده و ماهیت طبقاتی و خصلت ایدئولوژیک آنرا در تضاد آشکار با تعقل و خردگرایی روشنفکرانه می بیند. این همان رویکرد معروف یک بام و دو هواست.

آیا در یک جامعه طبقاتی (از جمله در همین دموکراسی های جوامع غربی)، برای روشنفکر انقلابی و یا روشنفکر لیبرال تعقل و خرد روشنفکرانه ناب و کلی فراطبقاتی که همین ارزش های پایه ای و معرفت طبقاتی (ایدئولوژی) و منافع طبقاتی در آن بازتاب نیافته و یا به نحوی در خدمت آن نباشد، وجود دارد؟ در مورد تبیین های لیبرالی از "نادر علی پویا" باید گفت که او به عنوان یک انقلابی سرسپرده سامانی، مثل لیبرال های وطنی ما دروغگو و منافق نبود. او در اولین کنگره ساما برنامه سازمان را تصویب کرده، پای آن صحنه گذاشته و جهت تحقق آن استوارانه مبارزه کرده و پاکبازانه جان داد. برنامه ای که "نادر علی پویا" پای آن صحنه گذاشته بود، از ایدئولوژی رهنمای "ساما"، از انقلاب ملی – دموکراتیک، از راه انقلاب افغانستان و از سه سلاح معجزه آسای خلق به منظور تحقق انقلاب، از جامعه فارغ از

ستم ملی، طبقاتی و جنسیتی و... حرف میزند. البته در همان وقت (چنانچه حالا نیز) این برای لیبرال ها پذیرفتنی نبود و از داخل و خارج "ساما" تقلاهای مذبحخانه کردند تا "ساما" را از محتوای عالی انقلابی تهی ساخته و به انحراف لیبرالی بکشانند که تا ایندم هربار سرشان به سنگ خورده و امید کاذب شان به یأس مبدل شده است. واما در باب کارنامه ها، مواضع و دیدگاه های حزب "نادر علی پویا" باید گفت که این کارنامه سی ساله با همه کاستی ها و قوتهايش به مثابه چوب بستی از سیستم فکری - سیاسی و عملکرد مبارزاتی این سازمان اظهر من الشمس است و هیچ شعبده بازی روشنفکرانه نمیتواند حقایق آفتابی را از انظار پنهان کرده و یا آنرا کمرنگ سازد. یکی از دستاوردهای "ساما" علی رغم شکست و ریخت های پیهم این بوده است که پس از به جاودانگی پیوستن "مجید"، همواره از دستبرد لیبرال های در کمین نشسته مصون مانده است و این خود برهانیست قاطع که رهبران "ساما" پس از "مجید" در مقابل حملات راست لیبرالی با درایت و کفایت از ساحت فکری سیاسی "ساما" حراست کرده و به قیمت جان شان نگذاشتند که لیبرالیسم بورژوائی به حیث ایدئولوژی حاکم در "ساما" جا باز کند، که اگر چنین میشد، امروز لیبرالیسم ترسو اتهام ایدئولوژی زدگی را بر "ساما" نمی بست. در مورد کارنامه ها، مبارزات و دیدگاه های "ساما" لطفاً به بایگانی "ساما" در (rahrawan.com) مراجعه کرده و قضاوت منصفانه کنید.

در مورد "مجید" و "نادر علی پویا" دو رهبر خرد مند و جانباخته "ساما" باید گفت که آنها انقلابیونی مسلح به تئوری انقلابی، مسلح به ایدئولوژی مترقی بودند. هردو به برنامه "ساما" که در فوق شرح آن رفت، باور علمی و عملی داشتند و به منظور تحقق آن از جان مایه گذاشتند. "مجید" آنرا نوشت و "نادر علی" آنرا تصویب کرده و پای تحقیقش رفت. برای "مجید" و "نادر علی" ایدئولوژی رهنمای "ساما"، یعنی ارزش های پایه ای، یعنی نظام ارزشی، یعنی معرفت طبقاتی، یعنی چراغ رهنمای مبارزه در راه بهروزی زحمتکشان، یعنی لغو مالکیت خصوصی مبتنی بر استثمار انسان از انسان، یعنی برانداختن هر نوع ستم و رسیدن به آینده ای فارغ از هر نوع ستم، در خدمت انسان و به ویژه انسان زحمتکش قرار داشت نه بالعکس!

اما در مورد اینکه مجید چگونه "مجید" شد، باید نوشت که او سنتیز تکاملی ایست از آمیزش و ترکیب ارگانیک این ارزشهای پایه ای (ایدئولوژی) با منافع علیای مردمی، سجایای عالی انسانی و تاریخ کشورش. مجید در عرصه این خلاقیت نمادیت فرید. ایدئولوژی "مجید" بیانیت روشن از مردمی بودن او یعنی دفاع و ایستادن در موضع طبقاتی ملیون ها انسان مجبور و دوزخی کشورش و آگاهی عمیق و همه جانبه وی از تاریخ شورانگیز مردمان کشورش. "مجید" در این میانه و عرصه با ترکیب این سه عنصر در تفکر و مبارزات عملی اش، تا سطح قهرمان ملی و رهبر بلامنازع زحمتکشان کشور عروج کرد. بدون حضور این عناصر در اندیشه و پراتیک "مجید"، او نمیتوانست لقب ستیغ بلند بیداری را کسب کرده و به وجدان بیدار مردم مبدل شود. "مجید" یک انسان روئین تن نبود. او به حیث انسان واقعی و زمینی به تاریخ نگرش علمی داشته و آنرا ساخته دست ملیونها انسان میدانست که آگاهانه به اعمار این بنای رفیع می پردازند، نه ساخته دست زبندگان، شاهان و قهرمانان جدا از مردم و بی باور به نیروی خلاقه شان. ازینرو، اگر "مجید" به عنوان قهرمان ملی مطرح و تثبیت شده است، در قدم اول اوقهرمان و طلایه دار مبارزه به خاطر پایان دادن به رنج های بیکران توده های ملیونی خلق و همراه آنان رقم زدن آگاهانه تاریخ نوین و ایجاد جامعه ای نوین برویرانه های ارتجاع و امپریالیسم در این خطه بوده است.

نام "مجید"، "ساما" و "پویا" باهم توأمیت دارند و یکی از دیگری جدا نیست. "پویا" "ساما" را درراهی رهبری کرد که "مجید" باخون سرخش ترسیم کرده بود. راه "مجید"، تفکر "مجید" و ایدئولوژی "مجید" - ابزاررهای زحمتکشان - بیانگر فلسفه وجودی "ساما"ست و هیچ گونه استفاده ابزاری هم در امر سترگ سازمان سازی مطرح نبوده است. درین

زمینه اسناد معتبر به قلم "مجید" و سایر رهبران جانباخته "ساما" به طور انکارناپذیر وجود دارد. هیچ شعبده بازی را یارای کتمان کردن حقایق نیست و آفتاب حقیقت سرانجام از پشت ابرهای تیره لیبرالیسم کهن و نوین پرتو افشانی خواهد کرد.

در مورد به لجن کشیدن نام قهرمانان باید گفت که مطرح کردن قهرمانان خلق دلیر افغانستان از موضع ایدئولوژیک شان - که خلاف لیبرال های جیون امروز و شعله ای های نیمه راه دیروز به آن وفادار ماندند - یعنی رزمیدن و پافشاردن در موضع ستم کش ترین طبقات و لایه های اجتماعی و تأکید بر مواضع استوار ضد امپریالیستی آنان در راستای رفع هرگونه ستم به شیوه انقلابی، از دید به ظاهر غیر طبقاتی یک لیبرال سازشکار، به لجن کشیدن نام آنان است. بلی، ما این اتهام لیبرال های بی هویت وطنی ما را که از انقلاب بیشتر از ارتجاع و امپریالیسم کینه به دل دارند و میترسند، از دل و جان می پذیریم. ما "مجید" ها و "پویا" ها، "رهبرها" و "یاری" ها، "بهمن" ها و "جرئت" ها را از موضع ایدئولوژیک شان و مواضع استوار ضد امپریالیستی مسلم آنان مطرح می کنیم. ما آنها را از پایگاه انقلاب اجتماعی، از موضع مبارزه طبقاتی، مبارزه ضد امپریالیستی و از منظر ایجاد جامعه فارغ از لیبرالیسم بورژوازی مطرح کرده و تداوم مبارزه انقلابی شانرا خواهانیم.

و اما نام قهرمانان را کی ها به لجن می کشند؟ آنهائیکه با مطرح کردن مواضع ایدئولوژیک "مجید" و "پویا" یعنی آن ارزش های پایه ای که هردوی شان را در پایگاه و جایگاه دفاع از ستمکش ترین طبقات و اقشار اجتماعی در مبارزه علیه هرگونه ستم قرار میدهد؟ و یا آنهائیکه با باور ریائی و مصرفی به "مجید" و "پویا" و مطرح کردن فراطبقاتی آنان، از فرط استیصال و مهجوریت به شیطان هم دست داده و یکسره خود را در دامن امپریالیسم اشغالگر انداخته و در آغوش امپریالیسم جنایت کار امریکا در چوکات ایدئولوژی تسلیم طلبی ملی و لیبرالیسم بورژوائی از برکت اشغال امپریالیستی کشورشان مشق خرد گرایی و تمرین دموکراسی میکنند؟

مادام که اینان خود از برکت حضور سپاه وحشی و اشغالگر استعمار و بهره مندی از مراحم امپریالیستی در پرتو ایدئولوژی لیبرالیسم و ایدئولوژی تسلیم طلبی ملی در زیر پر و بال امپریالیست ها، یک جا با خاینان ملی دیروزی و امروزی حزب سازی میکنند و بیشرمانه کاندید قدرت بیرون میدهند، همزمان خیلی شیدانه "ساما" را به ایدئولوژی زدگی متهم میکنند. این منتهای وقاحت هست. آقایان شما را با "مجید" و "نادر علی پویا" چه نسبتی است؟ از سر "ساما" دست برداشته و اگر احساس مسئولیتی دارید، به عنوان کسانی که یک عمر شعله ای بودید، بروید، در همین نشریه کابل پرس از جریان شعله جاوید به دفاع برخیزید. اگر حساب تان از آن جریان با عظمت تاریخی جداست و از چپ طلاق گرفته اید، پس با "مجید" و "پویا" چه کار دارید؟ درینصورت بهتر است بروید دنبال پیگیری پروژه حزب سازی تان با وطن فروشان و تشخیص پله سنگین درانتخابات جرگه خاینان ملی. فعلاً همینقدر. والسلام.